

وجه تسمیه نام سلماس و اران

نظرهموطنی را راجع به نام سلماس تقریباً به یاد دارم که آن را با نامهای سیواس (در اصل سباستیانا) و آسی ها (آسیانیها، آسیناها، در واقع آلانها) ربط میداد. اما در اصل بر خلاف شباهت ظاهری آنها، این اسامی ربطی با نام سلماس ندارند: نام ناحیه ارمنستان در اوستا سائینی آمده که به معنی سرزمین عقاب است، خود نام ارمن نیز در زبانهای کهن ایرانی مترادف با هایک (نام باستانی سرزمین ارامنه) به همین معنی می باشد. از سوی دیگر زوج نام آسی و آلان نیز از همین ریشه بوده و به معنی قوم منسوب به عقاب می باشند. اما نام سلماس هم از این ریشه است بدون این که آن ربطی با نامهای ارامنه و آلان داشته باشد، چه بیزانسی ها نام این شهر را به دو صورت سیمباسه و زومیسی آورده اند که هر دو به لغت مادی (اوستایی) به معنی جایگاه عقاب می باشند. از همین ریشه است خود نام شهر سلماس (سارم + ا س = دالم + اس) که به معنی جایگاه عقاب تیزپرواز است. چه در زبان پهلوی آذربایجان که تطور یافته زبان مادی بوده، حروف "س" به "د" و "ر" به "ل" قابل تبدیل بوده است. بر این پایه می توان نام قدیمی دیگر سلماس یعنی دیلمقان را در زبان آذری مغرب به معنی جایگاه عقاب گرفت. ضمناً نام آذربایجان نه تطور یافته اسامی مادی و پهلوی آتروپاتکان و آتورپاتکان بلکه مغرب ترجمه فارسی آنها یعنی آذربایگان (جای نگهداری آتשהا) می باشد. طبق کتاب پهلوی شهرستانهای ایران نام منطقه باکو (باگوان، یعنی جای ایزد آتش) نیز شهرستان آتورپاتکان بوده است. پس لازم نیست برای توجیه قدمت زبان کنونی آذربایجان سومری زبانان لولوبی را- که در کردستان ایران و نواحی شرقی آن ساکن بوده اند - ساکن سرزمین کوتی نشین آذربایجان بدانیم، چه شاخه ای از ترکهای بیات (اعقاب هونها) به نام گرگرها از عهد مادها در اران حضوری فعال و تعیین کننده داشته اند و اوستا این سرزمین را تحت لقب ایرانی و ارمنی کورش و پسر خوانده اش بردیه زرتشت یعنی آرا (یعنی نجیب، همان ایرج شاهنامه) اران نامیده است که این نام از سوی دیگر چنانکه در زبان کردی بر جای مانده معنی ساکن سرزمین آتش را می داده است. پس بی جهت نیست که استرابون نام اصلی کورش را آگراتات (یعنی مخلوق آتش) تصور نموده است. نامهای ترکی سکاهای این نواحی یعنی اودینان و اوتیان (یعنی آتش پرستان) و نیز نام ترکی خود گرگرها و همچنین نام ترکی مرکز گرگرها یعنی بیلقان (مقر خان) اسناد معتبری در باب درستی این استنتاج می باشند. خود نام گرگرها را میتوان از اصل ترکی گور (شراره آتش) گرفت یعنی اینان در اصل زرتشتیان ترک زبان بوده اند. این نام ترکی را همچنین می توان مترادف با قورقود یعنی آتش مقدس به شمار آورد که دانای سرودهای دینی و حماسی مردم اران به شمار می رفته و کتاب حماسی اسطوره ای کهن این مردم- که به درستی با شاهنامه و اوستا مقایسه میشود- بدو منسوب است. موسی خورنی نام این نیای

اساطیری مردم اران را اران خردمند معرفی نموده است که نشانگر خود گئوماته زرتشت (یعنی زرتشت سروددان) مردم آذربایجانهای دوسوی ارس می باشد. در این رابطه گفتنی است نام اساطیری کوراوغلوی آذربایجانیه‌ها بین کورش و بابک خرم‌دین (حسن ملقب به فرزند کورو یعنی کورش) مشترک بوده است و این نشان می دهد بابک خرم‌دین تنبورزن و خوانندهٔ سرودهای حماسی خود را با نام کورو (کورش) تخلص نموده و زرتشت و مزدک را به ترتیب تحت نامهای شروین (شاهزاده) و کودک دانا (در اصل فرد بسیار دانا) پرستش می نموده است. نظر به معنی لفظی نام مزدک یعنی شخص بسیار دانا میتوان نام اهورا مزدا یعنی خدای ایرانیان باستان را به معنی سرور بسیار دانا گرفت و این خود از شوی دیگر با ایمیریای کاسیان (اسلاف لران) به معنی لفظی سرور دانا و مانو / برهمای هندوان (به معنی خالق دانا) و اتراهیس بابلیها (شخص بسیار خردمند و جاودانی ، بازمانده از توفان بزرگ) مربوط می گردد. نام ودائی / اوستایی بیمه ویوسوت (جمشید دور درخشنده، ایزد سیّارهٔ زحل) نیز که بازمانده طوفان بزرگ و ایزد جهان زیرین به شمار رفته در مقام خدا/ انسان جاودانی سمت جنوب و جهان زیرین با اهورا مزدا/ ایمیریا/ برهما ارتباط پیدا می کند.